



۱

فرق وادیان

sarabehaghighat.ir

هفته نامه اینترنتی فرق وادیان / هفته سوم / تیرماه ۱۴۰۴ / شماره یک

پرونده ویژه



فرقه دراویش سلطانعلیشاهی (گنابادی) در جنگ ۱۲ روزه



Azmayesh

یادداشت سردبیر

● روایتی از صوفیه؛ از خانقاه تا خیابان

ریشه‌های تصوف را باید در نوعی زهدگرایی افراطی در حدود قرن دوم پس از اسلام جست‌وجو کرد. اما به جرئت می‌توان گفت که افزایش اختلافات فرقه‌ای در جهان اسلام، و سپس شوک جمعی ناشی از حمله مغولان به سرزمین‌های اسلامی - که با یک خسارت تمدنی عظیم همراه بود - باعث شد گرایش به تصوف در میان مسلمانان، به عنوان ابزاری برای کتمان نقش سیاسی و اجتماعی دین در جامعه، افزایش یابد.

از سوی دیگر، گسترش داستان‌هایی آمیخته با عادات صوفیانه و تشابه برخی اعمال صوفیان با آیین‌های شمنی، همچون حصاری در برابر تعرض مغولان به متصوفه عمل می‌کرد. البته در این میان، جریان‌هایی مانند اسماعیلیه نزاریه نیز وجود داشتند که پس از سکونت در قلعه الموت، عناصر باورهای صوفیانه را جذب کرده و از آن‌ها به عنوان ابزاری برای پیشبرد اهداف سیاسی خود بهره گرفتند.

الغرض، تصوف در آغاز، امری چندان سیاسی نبود و بیشتر نوعی زهدنشینی بی‌توجه به شرایط بومی محسوب می‌شد.

اکنون، پس از قرون متوالی و با به ثمر نشستن اسلام سیاسی - انقلابی ناشی از نهضت امام خمینی (رحمه‌الله علیه)، برخی جریان‌های صوفیانه، معرفت خود از محیط اجتماعی را تغییر داده و تلاش دارند کنش‌های سیاسی متناسب با شرایط و در راستای اهداف تبلیغی خود را توسعه دهند.

در این میان، فرقه گنابادیه یکی از جریان‌های صوفیانه‌ای است که با حوادثی چون واقعه گلستان هفتم، بست‌نشینی وحید بهشتی در برابر وزارت امور خارجه بریتانیا، جنایت علیه شهید روح‌الله عجمیان، شهادت محمد حسین حدادیان و بحران‌های متعدد خانقاه امیرسلمیانی شناخته می‌شود.

در حقیقت، می‌توان فرقه گنابادیه را از جمله طریقت‌هایی دانست که نه تنها سیاسی، بلکه به شدت امنیتی شده است و با پشتوانه سازمان‌های حقوق بشری غربی و البته برخی ملاحظات داخلی، از هیچ‌گونه مداخله‌ای در امنیت ملی ایران فروگذار نمی‌کند.

● نام نشریه:

هفته نامه سراب حقیقت

● موضوع:

بررسی و نقد ادیان، فرق و جریان‌ات انحرافی

● صاحب امتیاز:

گروه فرهنگی تبلیغی سراب حقیقت

● مدیر مسئول:

محمد جواد نصیری

● سردبیر:

امین رضایی نژاد

● گرافیک:

تیم رسانه‌ای سراب حقیقت

● هیئت تحریریه:

اعضای گروه علمی اندیشکده پندار

● راه ارتباطی در پیام رسان ایتا:

raherahaei@

آدرس:

سایت، تلویزیون اینترنتی و شبکه های اجتماعی

● sarabehaghighat.ir● aparat.com/sarabehaghighat● [@sarabehaghighat](https://www.instagram.com/sarabehaghighat)



رضا تابنده
reza tabandeh



وحید بهشتی
Vahid beheshti

در تازه‌ترین پرده از نمایش مفتضحانه خیانت، محمد جعفر کاشانی (وحید بهشتی) با افتخار و بی‌شرمی تمام، در برنامه رادیوی رسمی ارتش رژیم صهیونیستی ظاهر شد و علناً خواستار ترور مراجع معظم تقلید شیعه و رهبران دینی ایران شد.



ایران اینترنشنال نوشت:

وحید بهشتی و وزیر اطلاعات اسرائیل درباره لزوم تروریست شناختن سپاه در بریتانیا رایزنی کردند.

فقر وادیان



sarabehaghighat.ir

هفته‌نامه اینترنتی فرق وادیان / هفته سوم / تیرماه ۱۴۰۴ / شماره یک

یادداشت

در روزگار جنگ و تجاوز، صوفیان گنابادی کجا ایستاده‌اند؟

● در بحبوحه شرایط جنگی و حملات آشکار رژیم صهیونیستی و آمریکا به خاک ایران، در حالی که ملت ایران نیازمند وحدت، هوشیاری و مقاومت است، رضا تابنده، مآذون رسمی فرقه دراویش گنابادی در تورنتو و فرزند قطب پیشین این فرقه، در یک استوری اینستاگرامی، بدون هیچ اشاره‌ای به دشمن خارجی یا دفاع از وطن، صرفاً به مرثیه‌خوانی مبهم و سیاه‌نمایی اجتماعی روی آورده است.

او با عباراتی همچون «ایرانم زار است»، «سوخته‌ام»، «خسته‌ام»، «بی‌پناه‌ام»، و «دیگر نمی‌توانم» فضای روانی متن را در جهت انفعال، یأس، و بریدگی کامل از امید ملی تنظیم کرده است؛ اما در این میان، حتی یک کلمه علیه رژیم متجاوز صهیونیستی یا در حمایت از مردم مقاوم ایران به چشم نمی‌خورد.

این سکوت سؤال برانگیز و موضع‌گیری غیرصریح در بحبوحه جنگ شناختی دشمن، نشان می‌دهد که مدعیان عرفان و سلوک معنوی، در سخت‌ترین روزهای میهن، نه تنها در کنار مردم خود نیستند، بلکه عملاً در زمین جنگ روانی دشمن بازی می‌کنند.

عرفانی که در روزگار امتحان، نه از خاک وطن دفاع می‌کند، نه از مردم، و نه از حقیقت، چه نسبتی با دین و انسانیت دارد؟

چهره واقعی یک باند تبهار

در تازه‌ترین پرده از نمایش مفتضحانه خیانت، محمد جعفر کاشانی (وحید بهشتی) با افتخار و بی‌شرمی تمام، در برنامه رادیوی رسمی ارتش رژیم صهیونیستی ظاهر شد و علناً خواستار ترور مراجع معظم تقلید شیعه و رهبران دینی ایران شد.

اینجا دیگر نه خبری از درویشی است، نه اثری از وجدان، نه حتی ذره‌ای از اپوزیسیون... فقط یک کاروان نفرت‌پراکنی و لجن‌پاشی باقی مانده است:

جاسوسانی در لباس درویشی، مزدورانی که معنویت را به سخره گرفته‌اند، پیاده نظام خائن و بی‌شرم رژیم کودک‌کش اسرائیل، که در پوشش «فعال رسانه‌ای» به خیانت و جنایت مشغولند.



فوری - وحید بهشتی در مصاحبه با رادیو ارتش اسرائیل: مردم ایران منتظر حملات بیشتر اسرائیل و هدف قرار گرفتن مراجع تقلید حکومتی و مقامات ارشد سیاسی رژیم هستند

در مصاحبه با رادیوی نظامی ارتش اسرائیل، (GLZ Radio) - که با عنوان جهانی رادیو IDF شناخته می‌شود و از مهم‌ترین و بانفوذترین رسانه‌های رسمی اسرائیل در حوزه امنیت ملی و تحلیل‌های استراتژیک است - وحید بهشتی، فعال باسابقه اپوزیسیون و مؤسس «جبهه احیای قانون و حاکمیت ملی ایران»، تأکید کرد که مردم ایران آماده قیام نهایی علیه جمهوری اسلامی هستند.

پشت نقاب تصوف و درویشی؛ آن‌ها از همان ابتدا نه نور، بلکه پلیدی و دروغ را ترویج کردند، نه حقیقت، بلکه نفرت و خیانت را در دل خود پروراندند، و حالا، با همان خباثت و نیرنگ، خود را به گورستان تاریخ می‌سپارند.

این بازی چرکین و کثیف، با همه نیرنگ‌ها و دغل‌هایش، به پایان رسیده است؛ پایان پروژه‌ای که از ابتدا بر پایه خیانت، خرافه و خشونت بنا شده بود. بیچاره‌ها بوی کباب به مشامشان رسیده است، اما غافل‌اند که همین حالا دارند خر داغ می‌کنند.



دو فرد شناخته شده به نام‌های مصطفی آزمایش و وحید بهشتی که در فضای اپوزیسیون خارج از کشور فعالیت دارند، اخیراً در بیانیه‌ای جنجالی خواستار تشدید حملات نظامی و تحریم‌ها علیه ایران شدند.

در این بیانیه که خطاب به مقامات غربی و رژیم صهیونیستی منتشر شده، این دو نفر با عنوان خودخوانده «جبهه احیای قانون و حاکمیت ملی ایران» ظاهر شده و خواستار اقدامات خصمانه علیه کشور شده‌اند. این در حالی است که این تشکل فاقد هرگونه پایگاه مردمی یا مشروعیت سیاسی است.

بیانیه رسمی جبهه احیای قانون و حاکمیت ملی ایران
خطاب به: نخست‌وزیر بنیامین نتانیاهو، رئیس‌جمهور دونالد ترامپ، دولت‌های غربی و جامعه بین‌المللی
در مسیر پایان جمهوری اسلامی، مردم ایران به محبت روشن و قطع‌نشدنی دست می‌زنند.
استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی به تشدید مردم ایران است و نه اسرائیلی.
این رژیم، عامل برکناری در منطقه، تهدید برای صلح جهانی و دشمن ایران و اعراس است.
للقول: پس از محلات محدود و باقی به زیرساخت‌های نظامی، صنعتی و این رژیم، ملت ایران با آموری تازه به اندام می‌نگرد. نظریات قطع مردم از این اقامت استیصال کرده‌اند. زواران و خدایان به ملتین سرگود و جانی‌های ستادی جمهوری اسلامی می‌دانند. اما توقف این محلات، به فقرت‌نوی دوزخ و رژیم اجنبیه و موبد شده قانون سیاسی و سیاسی با تهدید ملی جودوسی برای اسرائیل، بازداشت و رونق‌دهنده شود. دشمنان اعراس برای کینه و تهدید زانمان این جهنم و نگران‌کننده است.
ما از شما چه می‌خواهیم؟
۱. به رسمیت شناختن خواست ملت ایران برای پایان جمهوری اسلامی.
این رژیم استعفا می‌دهد. مردم ایران خواهان گذار به نظامی مورکبیک، سکولار، مستقل و مبتنی بر قانون هستند. هرگونه تلاش برای حفظ این رژیم، برای خنثی کردن این خواست به ملت ایران است.

۲. مشروع دانستن دامنه محلات به زیرساخت‌های نظامی، امنیتی و صنعتی جمهوری اسلامی.
این محلات نه علیه ملت ایران، بلکه علیه آزادی‌های سرگود و تهدید جهانی است. شما می‌توانید با تسریع در فروتنی رژیم، سرگود ایران را به خطی غیرقابل‌تواند از جهان و زانمان ایران هزاران هزاران محله به مردم ایران تهدید می‌کنید. ما خواهان پایان دادن به جمهوری اسلامی هستیم.
۳. بازمانده‌های حقیقت برای محبت از مردم ایران.
۴. محبت رسمی و آشکار از آزادی‌های مورکب و ملی ایران.
۵. به فراموشی بگذرید. به تشدید نظامی، به حکومت استبداد، ایران از تهدیدات خارجی و داخلی و ملی است. مردم ما آماده، ما طرح و مستقل داریم. آنچه نیز داریم، شناسایی رسمی و محبت بین‌المللی برای تمسک‌گرای ملت ایران است.
ما، مردم ایران، خواهان آزادی، حاکمیت، مورکب، امنیت و حاکمیت ملی غرضی هستیم.
در این لحظه تاریخی، جهان جهانی را در فراموشی که در تمام مردم ایران می‌باید - نه برای آن‌ها، و نه از نظر رژیم - که تشدید شرایط خود را از دست داده است.
با احترام و اراد قطع برای رهبری ایران.
جبهه احیای قانون و حاکمیت ملی ایران
۱۴۰۶-۹

کلیپی در شبکه‌های اجتماعی فرقه گنابادیه منتشر شده که در آن یوسف مردانی، یکی از مشایخ سابق این فرقه، ادعا می‌کند که نورعلی‌شاه ثانی، قطب پیشین فرقه، در زمان جنگ جهانی دوم به سران کشورهای درگیر پیام داده و وعده داده است که در صورت توقف جنگ، بیماران را بدون دارو و گرسنگان را بدون غذا شفا و سیر خواهد کرد. در اویش گنابادی با انتشار این کلیپ، قصد دارند نقش ماورایی و تاثیرگذار اقطاب خود را در وقایع جهانی نشان دهند، در حالی که این ادعاها دروغ و نوعی شیادی است.



ادامه تبلیغات مسموم مصطفی آزمایش در خدمت صهیونیسم

مصطفی آزمایش، سرکرده گروهک افراطی دراویش گنابادی و عنصر وابسته به موساد، در دومین قسمت از برنامه تصویری خود با عنوان «جنگ و خاورمیانه جدید»، بار دیگر با بیانی تبلیغاتی و تحریف‌گرایانه به توجیه حملات رژیم صهیونیستی به ایران و تحریک به شورش علیه نظام جمهوری اسلامی پرداخت. وی در این برنامه که با تصاویر طراحی شده و القاءات گرافیکی جهت‌دار همراه بود، مدعی شد جنگ ۱۲ روزه رژیم صهیونیستی علیه ایران به پایان رسیده و نظام اسلامی را در آستانه «ساعت صفر فروپاشی» خواند! آزمایش با استفاده از تعابیر شاعرانه اما سطحی، کوشید فضای روانی جامعه را به سمت انتظار برای «پیک پیروزی» و «فتح قریب الوقوع» سوق دهد؛ ادعاهایی که نه تنها واقعیت ندارند، بلکه تنها بازتاب آرزوهای سیاسی جریان‌های شکست‌خورده خارج‌نشین هستند.

مصطفی آزمایش سال‌هاست به عنوان عنصری رسانه‌ای در خدمت سرویس‌های بیگانه، از پاریس به اجرای پروژه‌های جنگ روانی و تفرقه‌افکنی قومی و مذهبی علیه ایران مشغول است. امروز نقش او به وضوح در راستای توجیه تجاوزات دشمنان خارجی و به ویژه خدمت به اهداف صهیونیستی تعریف شده است.

بررسی محتوای این برنامه نشان می‌دهد که چنین عناصر مزدور و خیانت‌پیشه، بخشی از جبهه رسانه‌ای دشمن در جنگ ترکیبی علیه جمهوری اسلامی ایران هستند و فعالیت‌هایشان مکمل تهاجم نظامی است.



حمایت هماهنگ گروهک مزدوبان‌نور و ایوزیسیون از بازداشت یک درویش برانداز

در پی بازداشت بهناز محجوبی، از عناصر فعال دراویش گنابادی و وابسته به گروهک مزدوبان‌نور، صفحات شخصی منتسب به اعضای این گروهک معاند در داخل و خارج از کشور، با همراهی چهره‌های معاندی نظیر شیرین عبادی، موج هماهنگی از حمایت رسانه‌ای را در فضای مجازی به راه انداختند.

وحید بهشتی در مصاحبه با مرکز اورشلیم:

این عنصر مزدور و خطرناک در اظهاراتی شنیع مدعی شد: «مردم ایران بی‌صبرانه منتظر عملیات حذف آیت‌الله خامنه‌ای و برخی سران سیاسی از جمله پزشکیان، قالیباف، اژه‌ای هستند.»



سید علیرضا جذبی
Seyed Alireza Jazebi

تسلیت دیر هنگام قطب دراویش گنابادی در عاشورا؛ پس از ۲۳ روز سکوت درباره جنگ ۱۲ روزه

در روز جمعه، ۱۵ تیرماه ۱۴۰۴، سید علیرضا جذبی، قطب طریقت دراویش گنابادی (طیف سنتی)، برای نخستین بار از زمان آغاز جنگ ۱۲ روزه رژیم صهیونیستی علیه جمهوری اسلامی ایران، بیانیه‌ای رسمی صادر کرد و نسبت به جان باختگان این جنگ ابراز تسلیت نمود.

این بیانیه، پیش از آغاز مراسم عزاداری عاشورای حسینی و با قرائت مکتوب، در حضور جمعی از پیروان این طریقت قرائت شد. جذبی در ابتدای سخنان خود اظهار داشت:

«چون تهمت‌های زیادی به ما می‌زنند...»

وی در ادامه افزود:

«ما فقراء که بحمدالله خود را از شیعیان حقیقی و ارادتمندان قلبی حضرت اباعبدالله الحسین (ع) می‌دانیم، در این روز متوسل به عنایات آن حضرت شده و با عجز و نیاز، از درگاه خداوند مسئلت داریم که این بلاهای امروز، خصوصاً کسانی که مظلومانه در این جنگ اخیر به شهادت رسیده‌اند - اعم از مردان، زنان و کودکان بی‌گناه - را مورد رحمت خود قرار دهد. ما به عنوان یک مسلمان و شهروند ایرانی، این مصیبت را به همه بازماندگان تسلیت عرض می‌کنیم.»

این نخستین موضع‌گیری رسمی قطب دراویش گنابادی پس از گذشت بیش از سه هفته از آغاز یکی از شدیدترین حملات مستقیم یک رژیم بیگانه به خاک جمهوری اسلامی ایران به شمار می‌رود.

با این حال، بیانیه مذکور نه تنها فاقد هرگونه محکومیت صریح نسبت به تجاوز نظامی رژیم صهیونیستی به مراکز هسته‌ای، نظامی، صنعتی و مناطق مسکونی در پایتخت و دیگر شهرهای کشور است، بلکه هیچ اشاره‌ای نیز به ماهیت جنایت‌کارانه این اقدامات یا نام دشمن متجاوز نشده است.

همچنین در این بیانیه، اشاره‌ای به ترور فرماندهان ارشد نظامی و دانشمندان هسته‌ای کشور که در جریان این جنگ تحمیلی به شهادت رسیدند و نامشان در حافظه جمعی ملت ایران ثبت شده، مشاهده نمی‌شود.

این پرسش مطرح است که آیا این موضع‌گیری صرفاً در واکنش به فشارهای افکار عمومی صورت گرفته است؟

پاسخ این پرسش را می‌توان در همان عبارت ابتدایی بیانیه جست‌وجو کرد؛ آنجا که جذبی می‌گوید: «چون تهمت‌های زیادی به ما می‌زنند...»

این جمله به وضوح گویای آن است که بیانیه مذکور نه از سر مسئولیت‌پذیری دینی یا ملی، بلکه در پاسخ به انتقادات و فشارهای اجتماعی منتشر شده است.

● سکوت مرگبار تشکیلات رسمی دراویش گنابادی در برابر تجاوز صهیونیستی



چرا فرقه‌ای که از مواهب جمهوری اسلامی برخوردار است، در بزنگاه‌های ملی هیچ نمی‌گوید؟

با گذشت بیش از سه هفته از تجاوز همه‌جانبه و آشکار رژیم صهیونیستی به خاک ایران، که با هدف قرار دادن فرماندهان ارشد نظامی، دانشمندان هسته‌ای، مراکز ملی، منازل مسکونی و حتی ساختمان صداوسیما همراه بوده و ده‌ها شهید بی‌گناه از جمله زنان و کودکان ایرانی برجای گذاشته، انتظار افکار عمومی از همه طیف‌ها و جریان‌ها، آن است که در صف ملت ایران و در برابر دشمن متجاوز موضعی شفاف بگیرند.

اما در این میان، فرقه دراویش نعمت‌اللهی گنابادیه و رهبران رسمی آن از جمله سید علیرضا جذبی (قطب این فرقه) و همچنین مشایخ و مأذونین آن در سراسر کشور، در سکوتی سنگین و غیرقابل توجیه، فرو رفته بودند. سکوتی که نه تنها با اصول انسانی و عرفانی ادعایی این فرقه همخوانی ندارد، بلکه شائبه‌های جدی درخصوص جهت‌گیری سیاسی و هویتی این گروه را دامن زدند.

این در حالی است که فرقه دراویش گنابادی در چهار دهه گذشته، با وجود برخی سوءسابقه‌ها در فتنه‌ها و آشوب‌های داخلی، از فضای امن و آزاد جمهوری اسلامی بهره‌مند بوده‌اند؛ از ده‌ها خانقاه فعال در سراسر کشور گرفته تا برگزاری آزادانه مجالس آیینی در تهران و دیگر شهرها. اما این فرقه که خود را منتسب به میراث تصوف شیعی می‌داند، در مواجهه با تجاوز آشکار به مرزها، خون شهدا و کرامت ملت، حتی از صدور یک بیانیه ساده نیز دریغ کرده است.

مردم فراموش نکرده‌اند که در دوران دفاع مقدس هشت ساله هم، این فرقه عملاً موضعی روشن و همدلانه با ملت و نظام اتخاذ نکرد. این سابقه‌ی بی‌تفاوتی در بزنگاه‌های تاریخی، امروز نیز در برابر چشم ملت تکرار می‌شود. سوال این جاست: آیا این سکوت مستمر، نشانه‌ی رضایت پنهان نیست؟

هم‌زمان، شاخه‌ی اپوزیسیون دراویش گنابادیه در خارج از کشور - از جمله چهره‌هایی مانند مصطفی آزمایش و وحید بهشتی - به شکل علنی در خدمت رژیم صهیونیستی قرار گرفته‌اند و از تریبون‌های عبری-غربی دعوت به شورش، ترور و تجزیه‌طلبی می‌کنند؛ با این حال، هیچ واکنشی از سوی قطب دراویش در داخل کشور برای اعلام برائت از این جریان‌های مزدور مشاهده نمی‌شود.

این شرایط، پرسش‌هایی جدی را در سطح نخبگان و عموم مردم پدید آورده است:

آیا فرقه‌ای که در بزنگاه‌های ملی، نه تنها ساکت می‌ماند، بلکه بدنه‌ای اپوزیسیون‌ساز در درون خود پرورش می‌دهد، تهدید امنیتی محسوب نمی‌شود؟ آیا باید همچنان این فرقه را دارای صلاحیت نقش‌آفرینی در تعاملات ملی، گفت‌وگوهای فرهنگی و بهره‌مندی از امتیازات دیگر دانست؟ آیا زمان بازنگری در نوع مواجهه رسمی با این جریان نرسیده است؟



موضع انفعالی مدعی قطبیت فرقه گنابادی در برابر تجاوز صهیونیستی

محمد اسماعیل صلاحی، مدعی قطبیت فرقه دراویش گنابادی، در پی تجاوز آشکار رژیم صهیونیستی به خاک کشور، بیانیه‌ای صادر کرد که در آن به جای محکومیت صریح دشمن متجاوز و اعلام همبستگی با ملت، از «پرهیز از خونریزی» سخن گفته و تلاش کرده است تا با جدا ساختن مردم از تصمیمات سیاسی، نوعی نگاه بی‌طرفانه و خنثی نسبت به یک تجاوز نظامی اتخاذ کند. این رویکرد، به‌ویژه در شرایطی که مردم و نیروهای مسلح کشور با خطر مستقیم دشمن مواجه‌اند، نوعی ساده‌لوحی صوفیانه و بی‌تفاوتی غیرقابل قبول در برابر واقعیت‌های تهدیدآمیز تلقی می‌شود و عملاً در تقابل با منافع ملی و امنیت عمومی قرار دارد.

صلاحی که با وجود ادعای قطبیت، از مقبولیت در میان بدنه سنتی دراویش گنابادی برخوردار نیست، در این بیانیه نه تنها مرزبندی روشنی با دشمن کودک‌کش نداشت، بلکه با ادبیاتی مبهم، گویی در حال تطهیر ذهنی دشمن و گشودن راهی برای نافرمانی اجتماعی از تصمیمات ملی است. در حالی که جریان‌های دینی، انقلابی و حتی طریقتی در کشور، در این لحظات تاریخی بر همبستگی ملی و پایداری در برابر جنگ تحمیلی رژیم منفور اسرائیل تأکید دارند، این نوع بیانیه‌ها می‌تواند زمینه‌ساز نوعی انشقاق اجتماعی و تضعیف جبهه مقاومت باشد و نباید از چشم نهادهای امنیتی و فکری کشور دور بماند.



اتهام بدعت‌گذاری و بی‌سوادی دینی به جذبی از سوی صلاحی

منازعه میان دو مدعی جانشینی قطب در سلسله صوفیه سلطانعلیشاهی تشدید شده است. محمد اسماعیل صلاحی، از مدعیان این مقام، با انتقادات تندی خطاب به سید علیرضا جذبی، وی را به «بدعت‌گذاری در دین» و «ناآگاهی از مبانی اولیه احکام اسلامی» متهم کرد.

صلاحی با استناد به منابع دینی، تأکید کرد که عالمان دینی موظف به مقابله با بدعت‌ها هستند. وی اظهارات اخیر جذبی در مورد حکم نماز مسافرا را نمونه‌ای آشکار از بدعت‌گذاری دانست. به گفته وی، جذبی که از سوی مراجع رسمی به عنوان قطب این سلسله به رسمیت شناخته شده، برخلاف سنت صوفیه و نظرات فقهای شیعه، دیدگاهی متفاوت درباره نماز مسافر ارائه داده است.

این مدعی قطبیت، سخنان جذبی را نشانه بی‌سوادی دینی او خواند و بر ضرورت آگاه‌سازی پیروان در برابر چنین «انحرافات» تأکید کرد. این در حالی است که اختلافات بر سر جانشینی در این سلسله صوفیه همچنان ادامه دارد.